



انضباط

۱- خانواده که مرکب از پدر ، مادر ،
 و خواهر بزرگ ، دیگر افرادی چون عموها ،
 عمهها ، دایی ها ، خالهها و
 و هر کدام از آنها روش خاصی در برابر
 کودکان دارند و شرایط و مقتضیات فرهنگی
 خود را به او منتقل میکنند .

۲- مدرسه که متشکل از گروهی ناهماهنگ
 است ، از مدیر ، معلم ، مستخدم ، مسئول
 امور تربیتی با دانش آموزان همکلاسی ،
 مبرر ، ناظم و
 که هر کدام طبق ضابطه خاص خود به انجام
 رفتار میپردازند .

۳- اجتماع که متشکل است از مردم کوچه
 و خیابان ، عطار ، نانوا ، رفتگر ، پلیس ،
 روحانی ، قاضی ، کارگر ، همبازیها و معاشران
 که هر کدام ذوق و سلیقه خود را در نوع

علی ایسری

عوامل انضباط:

در مورد انضباط فرزندان ، عوامل
 متعددی دخالت دارند که اهم آنها
 بقرار زیرند :

خود میتواند درس بدی برای فرزندان باشد .

شما شاید خود بارها شنیده‌اید که طفل عملی را انجام داد و وقتی که به او اعتراض کرده‌اند که چرا چنین می‌کند گفته‌است چون پدرم چنین می‌کند و یا مادرم اینگونه است . غرض اینکه خوی و رفتار شخصی فرزندان ما ناشی از تجاربی است که در اثر مشاهده الگوها بدست آورده‌است .

در طریق ایجاد انضباط آگاهانه

اینکه بخواهیم فرزندان ما انضباطی آگاهانه داشته باشند ضروری است آن را در آنها بوجود آوریم . اما اینکه چگونه میتوان آن را در آنها بوجود آورد پاسخ این است که از راه :

۱- بیان مسائل ، تبیین و تحلیل مسایل و قضایا که در فرصتهای مختلف باید از آن سودجست و آن چه را که کودک نمی‌دادند به او فهماند .

۲- ارائه رفتار صحیح و قابل عرضه توسط والدین و مربیان و همه کسانی که بگونه‌ای با کودک در تماسند و او رفتارشان را بعنوان سندی برای خود میداند .

۳- متقاعد کردن طفل به این نکته که دریابد رعایت انضباط بهترین راه و طریق برای رسیدن او به هدف مورد نظر است و

برخوردها اعمال میکنند و افراد جامعه از آن‌ها الگو گرفته و اقتباسی دارند .

۴- مذهب و تعالیم آن البته براین اساس که توسط چه کسانی و تحت چه ضوابطی عرضه شوند و واجد چه شرایط و مقتضیاتی باشند و مردم را به چه سوی جهت دهند

۵- عوامل دیگر : چون وسایل ارتباط جمعی از رادیو، تلویزیون، مجلات، روزنامهها، پوسترها، ضرب‌المثل‌ها، اشعار کنایات و استعارات و هر کدام بگونه‌ای در جهت دادن افراد مؤثرند .

جنبه الگویی والدین :

در مورد انضباط همانگونه که ذکر کردیم نقش والدین از دیگران بمراتب مهمتر و مؤثرتر است . کودک در خانه آداب و رفتاری که مورد نظر است می‌آموزد و آنچنان که بعدها آن را در اجتماع پیاده میکند . براین اساس است که می‌گوئیم خانواده باید بخود توجه کند و خود را بر اساس ضوابطی بسازد که خود خواستار آن برای فرزندان است .

در امر سازندگی فرزندان هیچ چیز بهتر از آن نیست که والدین خود الگوی رعایت ضوابط و مقررات باشند و خود را فوق قانون ندانند . کودکان از پدر و مادر خود می‌آموزند بهمانگونه که گیاه از خورشید نور میگیرد . هرگونه عقلتی و سهل انگاری در این زمینه

اگر بخواهد به‌جائی رسد چاره‌ای ندارد
جز اینکه منضبط باشد.

۴- قراردادن طفل در وضعی که در آن
انضباط نیست و بلکه برعکس هرج و مرج
است. زیرا طفل خود از این اوضاع رنج
میبرد و دوست دارد هر چه سریعتر از آن
حالت بیرون آید.

۵- و بالاخره انجام کاری که جهت
فرزندان دلپذیر بوده و آنها بدان امر
راغب شوند و خواستار تکرار و تداوم آن
گردند و دوست بدارند که همان را انجام
دهند.

دستورات انضباطی :

به کودک باید اطلاعات لازم را داد و
آموخت که چه بکند و از چه امری دست
بردارد. براین اساس دادن دستورات
انضباطی برای او ضروری میشود. اما اینکه

این دستورات چه صورتی داشته باشد
پاسخ اینست که برای او باید صورت قانون
داشته باشند. این قانونها هستند که زندگی
را فرم میدهند، روابط را ساده و قابل فهم
میسازند. اما دستورات باید :

- ساده باشند

- قابل فهم باشند

- درطریق مصلحت کودک باشند

- در زندگی او را بکارآیند

- عاقلانه و منطقی باشد

- به زندگی حال کودک مربوط باشد

- خلاصه باشند

- قابل اجرا باشند

- همه رفتار او را در برگیرند

- تناسب سن و فهم طفل در آن مراعات
گردد.

- صریح و مشخص باشند.

- درآینده هم برای او درسی باشد.

عدم تربیت صحیح از همه چیزه اسلام

بیشتر ضرر زده است. «امام خمینی»